فهرست مطالب

[مفهوم حصر 1](#_Toc435261266)

[اشاره 1](#_Toc435261267)

[معنای حصر 1](#_Toc435261268)

[نسبت بین حصر و استثناء 1](#_Toc435261269)

[جمله حصر، شامل دو حکم سلبی و ایجابی 1](#_Toc435261270)

[استثناء متصل و منفصل 1](#_Toc435261271)

[حصر حقیقی و اضافی 2](#_Toc435261272)

[ادوات و اسالیب حصر 2](#_Toc435261273)

[جمع‌بندی 3](#_Toc435261274)

[تفاوت مفهوم حصر با مفاهیم غیات و وصف و شرط 3](#_Toc435261275)

[منطوق یا مفهوم بودن حصر 3](#_Toc435261276)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# مفهوم حصر

## اشاره

چهارمین مفهوم طبق ترتیب، مفهوم حصر و استثناء و چیزهایی از این قبیل است.

در خصوص حصر تأکیدی می‌کنم که در علم معانی بیان این مسئله حصر، با اصطلاح قصر مطرح‌شده و خیلی مفصل بحث شده است و اگر کتب اصولیون را ببینید، مشاهده می‌کنید که خیلی از مطالب را در کتب اصولی خود از معانی و بیان گرفته‌اند.

حصر در علم اصول همان قصر در معانی و بیان است و مباحثی که در قصر آمده مباحث مهم و پخته و سنگینی است. در مباحث اصولی هم قابل‌استفاده است.

## معنای حصر

معنایی که در کتب معانی و بیان آمده تخصیص شیء به شیء به طریق مخصوص است یا تخصیص الحکم بالمذکور فی الکلام و نفیه عن غیره و تفاصیلی دراین‌باره در همان کتب آمده که می‌توانید ببینید.

لذا این بحث حصر یا همان قصر یک بحث مهمی است که نیاز است این مباحث را مطالعه کنید.

## نسبت بین حصر و استثناء

بین حصر و استثناء عموم و خصوص مطلق است، علت آن اینکه استثناء یکی از ادوات بیان‌کننده آن حصر و قصر است، ولی منحصر در آن نیست، چراکه ما ادواتی داریم که معنای حصر را ادا می‌کنند اما استثناء محسوب نمی‌شوند، بنابراین بین این دو نسبت عموم خصوص مطلق است؛ بنابراین در همه مواردی که استثناء است معنای حصر نیز وجود دارد، اما همه موارد حصر و قصر این‌گونه نیست که استثناء باشد. وقتی می‌گویید ایاک نعبد و ایاک نستعین اینجا تقدیم ما حقه التأخیر است که افاده حصر می‌کند اما استثناء نیست.

## جمله حصر، شامل دو حکم سلبی و ایجابی

حصر و قصر هرکجا باشد روحش این است که دو تا حکم هست که حالت سلبی و ایجابی دارد.

## استثناء متصل و منفصل

ازجمله نکاتی که درباره استثنا آمده است و ازجمله نکاتی است که در ادبیات ما نیز آمده است، استثناء متصل و منقطع است هرچند در بحث اصولی فرقی بین استثناء متصل و منفصل نیست. استثناء متصل مانند جائنی القوم الا زیداً استثناء منقطع مانند جائنی القوم الا الحمار؛ مثالش در مثل آیات قرآنی نیز مانند: «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَأْكُلُوا أَمْوالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْباطِلِ إِلاَّ أَنْ تَكُونَ تِجارَةً عَنْ تَراضٍ مِنْكُم‏»[[1]](#footnote-1) معمولاً می‌گویند این استثناء منقطع است چراکه این تِجارَةً عَنْ تَراضٍ داخل در آن اکل مال بالباطل نیست و دو تا موضوع است ولی به شکل استثناء ذکرشده و این موجب قوت دلالت می‌شود.

در اینکه حصر با دو شکل متصل و منفصلش دارای مفهوم باشد فرقی ندارد و جمله استثناء که نوعی از حصر است داخل در بحث مفهوم حصر است و تفاوتی بینشان نیست.

## حصر حقیقی و اضافی

در حصر هم تقسیمی است که در معانی بیان نیز آمده است که حصر را به حصر حقیقی و حصر اضافی تقسیم می‌کنند حصر حقیقی؛ مانند جائنی القوم الا زیداً که حقیقتاً تمام قوم آمد الا یک نفر که آن را استثناء می‌کند. حصر اضافی؛ مانند اینکه از قبل بحث بوده که امروز زید و عمرو قرار بود بیایند و شخص می‌گوید که نیامد الا زید؛ منظورش کل انسان‌های قوم نیستند بلکه منظور از میان آن دو نفر است که یکی‌اش نیامده است. در مثال قرانی نیز می‌توان آیه شریفه «وَ ما مُحَمَّدٌ إِلاَّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُل‏…»**[[2]](#footnote-2)** را گفت.

در استثناء چه متصل و چه منفصل مفهوم است و در حصر نیز چه حقیقی و چه اضافی مفهوم بحث می‌شود.

## ادوات و اسالیب حصر

ادوات حصر متعدد است و این‌گونه نیست که در کتبی مانند مطول ذکر کرده‌اند که ادوات را تا 15 اسلوب در ادبیات عرب ذکر کرده‌اند. تعدادی از این موارد ادات هست و بعضاً هم اسلوب‌های دیگری است مانند ایاک نعبد و ایاک نستعین که در اینجا ادات حصر نیست، بلکه هیئت است.

در جواهر البلاغه چهار پنج مورد را که مهم‌تر است ذکر می‌کند؛ مانند الا و انما و عطف به لا و بل و لکن و تقدیم ما حقه التأخیر که این چهار مورد را رایج‌ترین شیوه‌های قصر و حصر در بیان کرده‌اند.

در مباحث اصولی هم همین چهار پنج مورد را ذکر کرده و در مورد آن‌ها بحث می‌کنند؛ اما ما نیازی به این مباحث نداریم مثلاً در مورد الا بحث می‌کنند که یک الا به معنی غیر داریم که آن در بحث مفهوم حصر موردبحث ما نیست و الای استثناء محل بحث است. همچنین در مورد انما که در کتب تفسیری و کلامی بحث شده است که کسانی مانند فخر رازی تلاش می‌کند که حصر را از معنای انما جدا کند و حال اینکه ادبا گفته‌اند که برای حصر است ما نمی‌خواهیم که وارد مباحث مصداقی بشویم. کما اینکه بعضی نیز وارد این مباحث شده و درمانند کلمه لا اله الا الله و... بحث کرده‌اند.

## جمع‌بندی

این مطالبی بود که به‌صورت فهرست‌وار اشاره شد و از میان این مطالب که بعضی دارای نکات قابل‌توجه هم است ولی ما دیگر مطرح نمی‌کنیم. مطلب اصلی که در اینجا هست اینکه برخلاف بحث شرط که آراء مختلفی در بحث بود و همچنین در مورد مفهوم وصف که خیلی بحث بود در مورد مفهوم حصر معمولاً اختلافی در اینکه جمله حصر دو جمله نفی‌ای و اثباتی است وجود ندارد. یک بحث صغروی داریم که آیا انما مثلاً ادات حصر است یا نه اما اختلاف کبروی در مسئله وجود ندارد و همه دو جمله بودن حصر را قبول دارند.

آن‌قدر این بحث وضوح دارد که کسی وارد این بحث نشده است وقتی در جمله می‌گوید که ما جائنی الا زید یعنی این دو جمله است یعنی یک جمله منفی که هیچ‌کس نزد من نیامد و یک جمله مثبت که تنها زید به نزد من آمد.

پس مواردی که حصر باشد، جمله مشتمل بر حصر و قصر انحلال به دو جمله پیدا می‌کند و در این اختلافی نیست. «إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُون»[[3]](#footnote-3) یعنی این‌ها ولی هستند و غیر این‌ها نیستند. اگر اختلافی در این‌گونه مثال‌ها وجود داشته باشد اختلافات صغروی خواهد بود وگرنه با قبول وجود حصر در جمله، در دو جمله بودن آن اختلافی نیست.

در چهار مورد از اسالیب و اداتی که در بالا گفتیم حصر وجود دارد و باقی ادوات و اسالیب نیز باید بحث شود.

## تفاوت مفهوم حصر با مفاهیم غایت و وصف و شرط

نکته حساس در مسئله اینکه گویا حصر وضع‌شده برای افاده اثبات این حکم و سلب سنخ حکم از غیر آن، گویا الفاظ وضع‌شده برای اینکه اثبات یک حکم و سلب حکم دیگر بکند. حال یا وضع است یا قرینیت قاطعی است که دیگر نیازی به اجرای مقدمات حکمت نیست و این تفاوت بحث حصر با غایت و وصف و شرط است؛ چراکه در آن بحث‌ها نیاز بود که به دنبال مقدمات حکمت و غیره برویم و حال‌آنکه در بحث حصر قدرت دلالتش بر دو حکم ایجابی و سلبی چنان است که ما نیازمند به اجرای مقدمات حکمت و غیره نیستیم و ظهورش بسیار قوی است.

اگر اختلافی در این بحث باشد برمی‌گردد به صغرای مسئله که آیا افاده حصر می‌کند یا نه وگرنه با افاده حصر جمله دو جمله است که یک‌طرف را اثبات و طرف دیگر را سلب می‌کند.

## منطوق یا مفهوم بودن حصر

بعضی گفته‌اند این ظهور دو جمله ایجاب و سلب در حصر چنان قوی است که به گفته مرحوم نائینی منطوق است و برخی نیز گفته‌اند که منطوق نبوده و مفهوم است، توضیحاتی دارد که فردا عرض می‌کنم.

1. . سوره نساء/ آیه 29 [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره آل عمران / آیه 144 [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره مائده / آیه 55 [↑](#footnote-ref-3)